اقتصاد ایران

دولت از مجلس تنخواه بنزین می گیرد ۱۲

اقتصاد ایران

بایگانی ها پر می شود ۱۲

بورس

قیمت ها همچنان دستکاری می شود ۱۳

بازار

گرانی تابستانی ۱۴

نروژی ها پول نفت می خواهند

عباس فتاح زاده

می گویند هر ثانیه به صورت متوسط ۱۰۹۱۸ کرون نروژ (معادل ۱۳۶۹ یورو) بر ثروت کشور نفت خیز نروژ افزوده می شود. آرنه یون ایساکسن یک استاد اقتصاد در دانشکده مدیریت BI نروژ می گوید: «کشور ما ثروتمندترین کشور دنیاست.» پس از روسیه و عربستان این سرزمین واقع در شمال اروپا بزرگ ترین صادرکننده نفت جهان است. درآمد سرانه هر فرد در این کشور به دلیل افزایش قیمت نفت حدود ۴۰ درصد بیشتر از کشوری نظیر آلمان شده است. درست از ۱۰ سال پیش به این سو دولت نروژ بخش اعظم درآمدهای کلان نفتی خود را صرف خرید سهام و اوراق قرضه خارجی می کند. تاکنون معادل ۱۸۶ میلیارد یورو پول جمع شده است که به ازای هر نفر از جمعیت کشور بیش از ۴۱ هزار یورو می شود. مقامات دولتی با این پول قصد دارند در سال های آینده در درجه نخست حقوق بازنشستگان را بپردازند. جمعیت کشور به سمت پیر شدن می رود و وقتی تعداد بازنشستگان بیش از شاغلین شود آن گاه این پول های کلان مورد استفاده قرار خواهند گرفت. هم اکنون به این منظور بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی در صندوق بازنشستگی دولت که در گذشته عنوانی شبیه به صندوق درآمدهای نفتی داشت، ذخیره می شود. اما مردم نروژ این «ثروت نادیدنی» را دیگر چندان دوست ندارند. روز به روز بر تعداد کسانی که مایلند به جای پس انداز برای آینده همین امروز با این پول ها برای ساخت و تجهیز خیابان ها، بیمارستان ها و مدارس هزینه شود، اضافه می شود. یک ناشر سرشناس نروژی می گوید: «نروژی ها دیگر نمی توانند درک کنند که چرا در ثروتمندترین کشور دنیا زندگی می کنند، اما باید برای درمان های پزشکی نوبت بگیرند و مدارسشان در دنیا بهترین نیستند.» حالا خیلی ها انتظار دارند که دولت هر چه زودتر به انتظارهای جدید مردم واکنش نشان دهد. حتی این امر به یک شاخص در مبارزات انتخاباتی بدل شده است. نخست وزیر نروژ که ینس استولتن برگ نام دارد اولین واکنش های خود را خیلی دیر نشان داد و به همین دلیل چندی پیش یک شکست انتخاباتی تاریخی را متحمل شد. او حالا درس عبرت گرفته و بیش از گذشته به «خواسته های نفتی» مردم گوش فرامی دهد.

طی یک نظرسنجی که به تازگی توسط روزنامه «برگنز تیدنده» چاپ اسلو صورت گرفته مشخص شد از هر ۱۰ نروژی شش نفر مایلند درآمدهای نفتی به صورتی گسترده صرف حل مشکلات جامعه شوند. جناح اپوزیسیون نیز دریافته که تنها رشد آن حمایت از چنین خواسته ای است. حزب اصلی مخالف دولت که حزب «پیشرفت» نام دارد حتی برنامه های اصلی خود را هم برپایه حمایت از تقسیم پول نفت قرار داده است. رهبر حزب مذکور می گوید که خواستار خرج کردن درآمدهای نفتی در حوزه های مهمی نظیر آموزش، تحقیقات و بهداشت و سلامت است. وی که سیوینسن نام دارد حتی برنامه هایی را با ذکر جزئیات آنها ارائه می دهد. چنین اقدامی بسیار اثرگذار بوده و توانسته محبوبیت حزب را افزایش دهد. نظرسنجی ها نشان می دهند هم اکنون حزب پیشرفت با حدود ۳۰ درصد آرا به لحاظ محبوبیت تقریباً هم سطح با حزب حاکم سوسیال دموکرات و به صورت مشترک با آن در جایگاه نخست است.

البته اقتصاددانان هشدار می دهند هدف از صندوق ذخیره درآمدهای نفتی تنها تامین هزینه های «دوران پس از نفت» یا پرداخت حقوق تعداد فزاینده بازنشستگان نیست.

این صندوق باید از تحرک بیش از حد اقتصاد نیز جلوگیری کند. بسیاری از کشورهای نفت خیز با اتکای به نفت و سایر مواد خام عادت های غلط اقتصادی را رواج داده اند. به عنوان مثال هلند با کشف ذخایر نفت و گاز در دهه شصت میلادی راه غلطی را پیمود که تقریباً تمامی دست اندرکاران اقتصاد جهان از آن آگاهند. پول بسیار زیادی روانه بخش های نفت و گاز شد و تنها سرمایه کمی برای فعالیت در سایر زمینه ها باقی ماند. به یک باره از هیچ ثروتی عظیم فراهم آمد و موجب بالا رفتن شدید ارزش واحد پول هلند شد. در پی چنین وضعیتی صنایعی که به صادرات وابسته بودند از پای درآمدند.

از آن زمان به بعد رفتار غلط با درآمدهای ناشی از نفت و سایر مواد خام به «بیماری هلندی» مشهور شد. حتی در ایران نیز گروهی از منتقدین دولت فعلی چنین بحثی را مطرح می کنند، که البته جناح حامی دولت نیز برای اثبات درستی روش موجود استدلال های خاص خود را دارد.

جدای از این استدلال ها شاید بتوان گفت هر کشوری بسترها و ویژگی های خاص خودش را دارد. از این منظر ممکن است نتوان تمامی خصیصه ها و دستور العمل های موجود در یک کشور را به صورت کامل به یک کشور دیگر و یا تمامی کشورهای جهان تعمیم داد. سیاست های کشور نروژ تاکنون دقیقاً نقطه مقابل و متضاد آن چیزی بوده است که از آن به بیماری هلندی یاد می شود. اما قطعاً نمی توان تمامی نسخه های نروژ را هم برای ایران تجویز کرد. نروژی ها خود را مقید کرده و حتی به نوعی دست و پای خویش را بسته اند. تاکنون هیچ کس و مقامی نتوانسته دسترسی واقعی ای به پول حاصل از فروش نفت داشته باشد. براساس قانونی لازم الاجرا درآمدهای میلیاردی نفت باید سرمایه گذاری شده- آن هم سرمایه گذاری هایی که تا حد ممکن سودآوری بالایی داشته باشند. تنها از ۴ درصد درآمدهای مذکور می توان برای بودجه سالانه دولت استفاده کرد. جوزف استیگلیتز، اقتصاددان سرشناس آمریکایی و برنده نوبل، با تحسین نروژی ها می گوید: «نروژی ها بسیار عاقلند و باید آنها را ستایش کرد. گنج هایشان را برای چند نسل حفظ می کنند.» استیگلیتز معتقد است که سایر کشورهای نفت خیز با وجود ذخایر نفت «ثروتمند واقعی» نشده اند و تنها کشوری که واقعاً از این رهگذر ثروتمند شده نروژ است. اما با برنامه های جدید و اصرار مردم برای خرج کردن درآمدهای نفتی ممکن است این وضعیت به پایان خود نزدیک شده باشد. ایساکسن استاد دانشکده مدیریت BI نروژ که اوایل مطلب از او یاد کردیم می پرسد: «آیا ثروتمندترین مرد شهر، صاحب زیباترین خودروی شهر و بهترین قایق آن است؟»

بعد خودش پاسخ می دهد: «نه، ثروتمندترین مرد شهر با ثروتش خانه ای را نگهداری می کند.» به گفته وی نروژ بیکاری چندانی ندارد و منابع موجود صرف تولید می شوند. در این حالت اگر هزینه های بیشتری صرف شود تنها موجب تورم، افزایش ارزش پول کشور (کرون) و به تبع آن کاهش توان صادرات و برخی مشکلات اقتصادی دیگر می شود.

مخازن نفت نروژ در شمال این کشور

در مقابل، حزب پیشرفت در مقام اصلی ترین حزب اپوزیسیون به همراه همفکران خود قصد دارند یک «بودجه خارجی» پدید آورند. این بودجه به منظور خرج کردن بخشی از درآمدهای نفتی فقط در آن سوی مرزهای کشور شکل می گیرد. با پول آن ماشین آلات راهسازی از آلمان و یا هواپیما از آمریکا خریداری می شود. چنین کاری به اعتقاد گروه فوق نه تنها اثرات منفی ای بر اقتصاد ندارد بلکه تمامی تبعات آن مثبت هستند، زیرا نه موجب افزایش ارزش واحد پول کشور می شود و نه اقتصاد را به تحرک و رشد بیش از حد وامی دارد. البته برای چنین فرآیندی حتی به اعتقاد طراحان آن نیاز به یک دستگاه و مجموعه بوروکراتیک عظیم خواهد بود تا نوع خریدها را سامان دهد. باید از برخی اقدامات عامه پسند نظیر کاهش مالیات ها هم جلوگیری شود تا علاقه مردم به خرید کالا و خدمات در داخل نروژ بیش از حد افزایش پیدا نکند.

از آنجایی که مردم به صورت فزاینده ای از دیدگاه هایی اینچنینی حمایت می کنند اقتصاددانان نروژی به شدت به دنبال ایده هایی نظیر آن افتاده اند و می کوشند تا حد وسطی را در این زمینه پیدا کنند. مشکل اصلی در حال حاضر آن است که مردم واقعاً و به صورت کامل باور ندارند که صندوق ذخیره درآمدهای نفتی در خدمت آینده خودشان است. لذا برخی از کارشناسان توصیه می کنند که برای هر شهروند نروژی یک حساب بازنشستگی مستقل افتتاح شده و سهم او از درآمدهای نفتی به این حساب واریز شود. ایده های مشابه فراوانی از سوی اقتصاددانان مختلف نروژی و فن کیدلند برنده نوبل اقتصاد ارائه شده اند. البته چنین کاری به معنای خصوصی سازی بخشی از سیستم بازنشستگی کشور است که همواره به صورت سنتی در اختیار دولت قرار داشته است. لذا خانم کریستین هالورزن وزیر دارایی نروژ با این اقدام مخالف است. البته حتی او هم با اهداف چنین کاری مخالفت ندارد. لذا اصلاً بعید نیست که در آینده هر نروژی سالی یک بار نامه ای از وزارت دارایی در خانه اش دریافت کند که در آن چنین آمده است: «سهم کنونی شما از درآمدهای نفتی (مثلاً) به ۴۱ هزار یورو رسیده است.» طراحان و طرفداران این طرح ها امیدوارند که اینگونه اقدامات اصرار و فشار مردم برای برخورداری از حقوق ها و پول بیشتر را کاهش دهد. به عبارت دیگر به اعتقاد آنها پول نفت عملاً بین مردم تقسیم می شود، بدون آنکه اثرات منفی آن پدید بیاید، زیرا دارندگان اینگونه حساب ها تا زمان بازنشستگی امکان برداشت پول از آنها را ندارند و استفاده از آنان نیز تابع ضوابط خاصی خواهد بود. تا آن زمان نیز شهروندان شاهد خواهند بود که با پولشان «پروژه هایی ملموس» نظیر ساخت خیابان ها، پل ها و بیمارستان های جدید صورت می گیرد و ثروت نفتی خود را بیشتر باور می کنند.

تفسیر اقتصادی

روبل های نفتی

محمدحسین کریمی پور

«در ده سال آینده ما باید آرزوهایی را محقق کنیم که طی دهه های متمادی در حسرتش سوخته ایم.» گرمن گرف وزیر جوان اقتصاد روسیه این جمله را با یک دنیا اطمینان، غرور و امید ادا می کند. روزهای سرد و غمبار زمستانی یلتسین سپری شده اند. مسکوی بهاری پرزیدنت پوتین در زیر آفتاب دلنواز ماه ژوئن پر از خودباوری، نشاط و انگیزه است. بنگرید:

– ذخیره ارز و طلای روسیه با گذر از مرز ۲۳۶ میلیارد دلار در رتبه چهارم جهان قرار دارد. تنها چند ماه بعد آنها با پشت سر گذاشتن تایوان مقام سوم را تصاحب خواهند کرد.

– «صندوق ذخیره تعاون» که در سال ۲۰۰۴ برای جبران اثرات ناشی از سقوط احتمالی قیمت نفت، تاسیس شده بود، ۶۶میلیارد سرمایه در اختیار دارد.

– رشد اقتصاد ملی در سه سال اخیر حدود ۷درصد بوده است. پیش بینی از رشد ۶/۱درصد امسال و متوسط ۵/۷ در سه سال آینده حاکی است. هدف دولت برای دو برابر کردن تولید ناخالص ملی ظرف دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ خیلی دور از دسترس نیست.

– برای اولین بار پس از فروپاشی شوروی، تولید ناخالص ملی به سطح سال ۱۹۹۱ رسیده است. بی تردید رنسانس اقتصادی روس ها ریشه در افزایش سرسام آور درآمد نفت و گاز دارد. چشم انداز تداوم این رونق، سبب هجوم سرمایه گذاری خارجی بالاخص به بخش نفت و گاز شده است. در چنین فضایی فرار سرمایه از کشور کاهش یافته و روس ها نیز پولشان را در داخل سرمایه گذاری می کنند. همه این تحولات سبب رونق اقتصاد روسیه و تقویت روزافزون روبل در برابر دلار شده است. در نتیجه مردم نیز ذخیره های ارزی خود را به روبل تبدیل و به ارزش ارز ملی می افزایند. به نظر می رسد این چرخه مثبت کماکان ادامه دارد و روبل در ماه های آینده قدرتمندتر می شود. شکی نیست که روس ها طراح افزایش قیمت نفت نبوده اند. اما نقش فعال دولت روسیه در بهره برداری مناسب از این فرصت و زمینه سازی موثر «جهش ملی» غیرقابل انکار است. بی تردید روسیه مصمم است از فرصت طلایی حاضر برای بازسازی و تثبیت قدرت اقتصادی- سیاسی و نظامی خود بهره جوید.

ادامه در صفحه ۱۲